

بستن کمر بند می‌تواند خطر مرگ و میر را در سرنشینان صندلی عقب، ۲۵ تا ۷۵ درصد کاهش دهد.

در دادگاه

رپر متهم به قتل می‌گوید مهدی، پوریا را کشت!



شهروند | رپر ۱۸ ساله که به نظر می‌رسد به همراه دوستش، صاحب یک استودیوی ضبط صدا را با شلیک ۶ گلوله به قتل رسانده، صبح دیروز در دادگاه کفیری، جنایت را به گردن همدستش انداخت.

ساعت ۱۶ روز نهم شهرپورماه، وقوع یک جنایت به کلانتری ۱۵۳ شهرک ولیعصر اعلام شد. تحقیقات نشان داد که مقتول به نام پوریا ۲۰ ساله در یک استودیوی ضبط صدا به قتل رسیده است. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در بررسی صحنه جنایت اطلاع پیدا کردند که مقتول به علت اصابت ۶ گلوله شلیک شده از یک اسلحه کمری و از فاصله نزدیک به قتل رسیده است. با آغاز تحقیقات، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با انجام اقدامات پلیسی و بررسی صحنه جنایت اطلاع پیدا کردند که مقتول ساعت ۱۵ روز جنایت برای تنظیم قرار داد با یکی از خوانندگان زیرزمینی قرار ملاقات داشته است. در نهایت ساعت ۱۱ روز ۲۰ شهریورماه، «رضا» در منطقه مرزی گرد دستگیر شد و در همان تحقیقات نخست به جنایت با همدستی یکی از دوستانش به نام مهدی ۱۸ ساله اعتراف کرد. مهدی نیز ساعت ۱۲ همان روز، در منطقه مرزی می‌گردد، دستگیر شد و اظهارات دوست خود را تایید کرد. این خواننده به همراه همدست خود در مقابل بازپرس دادسرای جنایی تهران گفت که با انگیزه سرقت دست به این قتل زده است. او به باز پرس گفت: «از حدود دو سال پیش خوانندگی رپ را به‌عنوان حرفه اصلی خود آغاز کردم. می‌خواستم وقتی کارهایم منتشر شد، با اسم مستعار «رضا» (تک) معروف شوم. مقتول هم استودیوی ضبط صدا داشت. من نخستین آهنگ خود را حدود دو سال پیش در استودیوی ضبط مقتول تولید کردم. بعد از آن چند آهنگ دیگر هم در استودیوی او ضبط کردم. می‌دانستم که مقتول سیستم استودیوی مجهزی در اختیار دارد، برای همین تصمیم گرفتم این تجهیزات را بخرم. وقتیکه موضوع را با یکی از دوستانم به نام مهدی در میان گذاشتم و او هم با من همراه شد. یک اسلحه کمری خریدم و با هم به سرقت رفتیم. چون به خاطر کار خوانندگی ۱۰۰ میلیون تومان بدهکاری داشتم، تصمیم گرفتم وسایلی مجهز استودیو را که حدوداً ۷۰ میلیون تومان ارزش داشت، بخرم. سرقت کنیم، بنابراین به همراه مهدی به دفتر کار مقتول رفتیم. پس از تنظیم قرار داد، به بهانه تست صدا هر سفر با هم وارد اتاق ضبط شدیم. همان لحظه بدون هیچ درگیری فیزیکی با مقتول، اسلحه را از زیر لباس خارج کرده و ۶ گلوله شلیک کردم. پس از آن تجهیزات داخل استودیو را برانداختم و فرار کردم.»

با اعترافات این پسر و همدستش و سپس از تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کفیری استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز متهمان در شعبه پنجم دادگاه کفیری بای می‌حاکمه ایستادند. در ابتدای این جلسه پدر مقتول در جایگاه ایستاد و برای قاتلان پسرش در خواست قصاص کرد. در ادامه متهم ر دینف اول در جایگاه ایستاد و با انکار قتل، اظهارات دیگری را مطرح کرد و گفت: «اسلحه را با همدستم از یکی از شهرهای مرزی به مبلغ ۱۰ میلیون تومان خریدم بودم. ما با هم نقشه سرقت را کشیدیم، ولی قصد قتل نداشتیم؛ برای احتیاط اسلحه را خریدیم و حتی در بیلبان هم آن را امتحان کردیم. روز حادثه به استودیو رفتیم. من مهدی را به‌عنوان خواننده جدید به پوریا معرفی کردم تا برای او هم صدابرداری کند. پوریا و مهدی در حال صحبت کردن بودند که من سراغ میکروفن‌ها رفتم تا سرقت کنیم، ولی همان زمان پوریا متوجه سرقت شد و با هم درگیر شدیم. خیلی ترسیده بودم که مهدی اسلحه را بیرون آورد و به سمت پوریا شلیک کرد. در واقع مهدی، پوریا را به قتل رساند و من از اول دروغ گفتم که قاتل هستم، چون مهدی از من کوچکتر بود می‌خواستم کمکی به او کرده باشم. از طرفی مهدی هم گفته بود اگر قتل را گردن بگیرم، می‌تواند رضایت اولیای دم را جلب کند، ولی وقتی دیدم خبری از رضایت نشده، تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم.»

در ادامه جلسه مهدی ۱۸ ساله نیز روبروی هیأت قضایی ایستاد و در حالی که متکرر جنایت شد، گفت: «من اصلاً از نقشه رضا مطلع نبودم. روز حادثه رفتم که در باره ضبط صدا با پوریا صحبت کنیم. رضا از من خواسته بود به آنجا بروم و درباره آهنگ‌هایش نظر بدهم، اما وقتی رسیدیم ناگهان رضا با پوریا درگیر شد و با اسلحه او را کشت. رضا حتی با اسلحه مرا هم تهدید کرد و گفت که حق ندارم به کسی حرفی بزنم. من هم از ترسم به کسی چیزی نگفتم.»

در ادامه پس از دفاعیات و کیل، هیأت قضایی وارد شور شدند تا درباره این پرونده رای خود را صادر کنند.

ردپا

شهروند | بدستگیری دو کارگزار واردات خودروهای لوکس در ایران، پسرده از راز یک باند بزرگ قاچاق و کلاهبرداری بین‌المللی برداشته شد. این پرونده پیچیده علاوه بر ماموران آگاهی ایسران پلیس اینترپل را هم درگیر کرده است. براساس اظهارات دو متهم دستگیر شده و مستندات به دست آمده، این باند بزرگ از ایتالیا و کشورهای اسکانديناوی تا منطقه قفقاز و مرزهای کشورهای آسیایی فعالیت دارند و با شگرد خاصی اقدام به فروش خودروهای لوکسی می‌کنند که در کشورهای اروپایی اعلام سرقت شده و صاحبان آن از بیمه پول دریافت کرده‌اند. هنوز ابعداد مختلف این پرونده بین‌المللی فاش نشده و پلیس ایران با همکاری پلیس بین‌الملل در تلاش است تا این معما تودرتوی خرید و فروش خودروهای گرانقیمت خارجی را حل کند. همه چیز از ورود یک خودروی خارجی از مرزهای شمالی کشور

گفت و گو با سارق که برای دور دور کردن مزدا ۳ می‌زد دید پشت فرمان مزدا ژست پولدارها را می‌گرفتم



می‌خواستم زودتر به دست صاحبانشان برسد.

چند خودرو و تا به حال سرقت کردی؟

۱۵ تا.

چطور دستگیر شدی؟
نامزد باعث شد که دستگیر شوم. او به تاژی متوجه شده بود که سرقت می‌کنم. حالش خیلی بد بود. آن روز انکار فرس خورده بود تا خودکشی کند. در حالت طبیعی نبود. با هم بحث کردیم. آن روز یک خودروی مزدا سرقت کرده بودم، اما چون با نامزد من بحث شد، مزدا را مقابل پارکینگ پارک کردم. نامزد من بدون اطلاع من رفته و خودرو را برداشته بود. انکار می‌خواستم من دوباره سراغ آن خودرو نروم، چون در حالت طبیعی نبود. با چند خودروی دیگر تصادف کرده بود. برای همین پلیس او را گرفت و متوجه سرقتی بودن خودرو بعد از آن هم من دستگیر شدم.

یعنی از سرقت‌ها پشیمان نیستی؟

نه، اصلاً نمی‌دانستم من زردی می‌کنم. وقتی متوجه شد، حالش خراب شد.

او هم دستگیر شده؟

بله، فعلاً بازداشت است، ولی او در سرقت‌هایم هیچ نقشی

نداشت.

درس خواندی؟

فوق دیپلم کامپیوتر دارم.

شغلش چه بود؟

مکانیک خودروهای سنگین مثل آفریوید بودم. در آمدم هم

بند نبود.

سمی که شهلا خورد هنوز ناشناخته است

جزئیات جدید خودکشی آنلاین در اینستاگرام

جداشویم. زم زمه‌های این جدایی را کم‌کم شروع کردم تا این که روز حادثه به شهلا زنگ زدم و گفتم قصد دارم به دادگاه خانواده برویم و بهتر است به‌طور توافقی از یکدیگر جدا شویم. شهلا شو که شد، گریه می‌کرد و می‌گفت که باید با هم زندگی کنیم و خودکشی می‌کنم، تا این که زنگ زد و گفت لایو اینستاگرام را ببین. اینستاگرام را باز کردم و در لایو شهلا را دیدم که بطری آبی هم در دستش بود و مدام آب می‌خورد. فکر کردم شوخی می‌کند. من خیلی ترسیدم، دست پاچه شدم، از طریق اینستا به او پیام دادم که این کار را نکن. چندبار از او خواهش کردم که از این کار منصرف شود، حتی به او گفتم الان خودم را به خانه می‌رسانم تا با هم صحبت کنیم، اما او هیچ توجهی به درخواست‌های من نداشت. همانجا بود که با او کبلم تماس گرفتم و گفتم شهلا قصد خودکشی دارد، با او مشورت کردم و دوباره با

شد. زن جوان بی‌هوش بود، اما بدنش کبود شده بود. هنوز به بیمارستان فرماینه نرسیده بودند که قلب زن جوان از ضربان افتاد و دیگر نفس نکشید. با مرگ این زن ماموران کلانتری ۱۲۳ نیاوران در جریان مرگ مشکوک زن جوانی قرار گرفتند. با حضور پلیس در خانه این زن مشخص شد او دقیقی قبل اقدام به خودکشی کرده‌است و نیروهای اورژانس هم مرگ او را تایید کرده‌اند. همسر ۳۳ ساله این زن که ماجرا را تلفنی به اورژانس اطلاع داده بود، با گذشت ۳ روز هنوز شوکه است. لحظات مرگ همسرش را باور ندارد. او به «شهروند» می‌گوید: یک‌سال از زندگی مشترکمان می‌گذشت، اما با هم اختلاف داشتیم. مدام با هم جر و بحث می‌کردیم، تا این که ۱۰ روز پیش از مرگ شهلا با یکدیگر دوباره جر و بحث کردیم و به خانه یکی از بستگان رفت. در این مدت فکر می‌کردم باید از یکدیگر

بر اثر ریزش تونلی در کاشمر هفت نفر فوت و مصدوم شده‌اند. این حادثه حوالی ساعت ۱:۴۱ صبح سه شنبه در روستای عارف آباد کاشمر رخ داده است. پس از تماس با سامانه ۱۱۵ اورژانس بلافاصله ۳ دستگاه آمبولانس جهت اقدامات لازم به محل حادثه اعزام شدند. متأسفانه در این حادثه ۳ نفر جان خود را از دست دادند و چهار نفر مجروح شدند که به وسیله تکنیسین‌های اورژانس به نزدیکترین مرکز درمانی انتقال یافتند.

شهلا تماس گرفتم، اما گوشی اش خاموش بود. به سرعت خود را به دیباجی جنوبی رساندم. کلید خانه را داشتم، وارد شدم دیدم شهلا روی زمین افتاده است. صورت و دهانش کبود بود، اما نفس می‌کشید، به اورژانس زنگ زدم. اصلاً فکر نمی‌کردم بمیرد. به دنبال اورژانس رفتم، اما ترسیده به بیمارستان فهمیدم که شهلا فوت شد.»

با وجودی که ۳ روز از مرگ این زن می‌گذرد، اما هنوز جسدش در پزشکی قانونی قرار دارد و بررسی برای علت مرگ این زن ادامه دارد. هنوز مشخص نیست او چه ماده‌ای برای مرگش استفاده کرده است. همچنین پرونده این خودکشی در شعبه سوم دادسرای جنایی تهران نزد باز پرس منافی آذر رسیدگی می‌شود که دستور رسیدگی و تحقیقات بیشتر در خصوص این حادثه را صادر کرده‌است.

زد جوان به خاطر خرید لباس‌های مارک‌دار دست‌به‌سرقتی می‌زد

ماجرای سرقت‌های پیتزافروش تحصیلکرده

شهروند | فوق لیسانس کامپیوتر دارد، اما در پیتزافروشی کار می‌کرد. انواع پیتزاهای آمریکایی و ایتالیایی را به‌صورت حرفه‌ای تهیه می‌کرد. درآمد بدی نداشت، با این حال کفاف لباس‌های مارک‌دارش را نمی‌داد. برای همین تصمیم گرفت از راه دیگری تیپ و ظاهرش را شیک کند. قرص خواب‌آور گرفت و به پارک‌های شمال شهر رفت. هدفش پسران جوان ثروتمند بود. آنها را شناسایی می‌کرد و با قرص آنها را می‌خواباند. بعد از آن تمام پول و مدارکشان را می‌زدید. پیش از خواباندن طعمه‌هایش با آنهاطوری طرح‌دوستی می‌ریخت که حتی رمز عابر بانکشان را هم متوجه می‌شد. بعد هم با نسکافه مسموم آنها را می‌خواباند. مجید در هر سرقت کلی پول گیرش می‌آمد تا جایی که در یکی از سرقت‌هایش ۴۰ میلیون تومان پول به جیب‌زد. قصه‌زدی‌های او را بخوانید:

چند وقت است که زردی می‌کنی؟

تقریباً سه‌ماهه می‌شود که این کار را شروع کرده‌ام.

سابقه هم داری؟

سال ۹۰ بود. با همین شوهه دو نفر را بیهوش و از آنها دزدی کردم. البته شاک‌های دوستانم بودند و برای انتقام این کار را کردم. بعد از گذراندن دوره حبس هم توبه کردم، تا اینکه باز هم تصمیم به سرقت گرفتم.

چرا دوباره سرقت کردی؟

بی پول بودم. نیاز شدید مالی داشتم، برای همین مجبور شدم سرقت کنم.

کار نمی‌کردی؟

پیتزافروشی حرفه‌ای بودم. انواع و اقسام پیتزاهای ایتالیایی و آمریکایی را به‌صورت حرفه‌ای تهیه می‌کردم. پیتزافروشی که در آن کار می‌کردم در خیابان ستار خان بود.

در آمدت کم بود؟

ماهی دو میلیون تومان درآمد داشتم، ولی برای من کم بود.

مگر زندگی ات چقدر خرج داشت؟

من مجردم و تنها زندگی می‌کنم. یک خانه در ستار خان اجاره کرده‌ام، ولی زندگی‌ام خرج دارد. من همیشه باید لباس مارک‌دار بپوشم. ساعت و عینک دودی‌ام هم باید مارک‌دار باشد. با دو میلیون تومان حقوق چطور خودم را در یافت کرده‌اند. در ادامه تحقیقات مشخص شد که

باندی در کشورهای قزاقستان و جمهوری آذربایجان با نقشه قبلی اقدام به خرید خودروی گرانقیمت در کشورهای اروپایی می‌کنند و در مرحله بعد آنها را تا مرزهای کشورهای آسیایی منتقل می‌کنند. بعد از این مرحله نوبت به کارگزاران واردات



حقوق کم هم این کار امکان‌پذیر نیست.

با چه شگردی سرقت می‌کردی؟

به پارک‌های شمال تهران می‌رفتم. در آنجا پسرانی که ظاهرشان نشان می‌داد ثروتمند هستند را شناسایی و بعد با آنها سر صحبت را باز می‌کردم و طرح دوستی می‌ریختم. وقتی حسابی با آنها دوست می‌شدم، با هر ترافندی شده رمز عابر بانکشان را می‌گرفتم. بعد نسکافه‌ای می‌خریدم و قرص خواب در آن می‌ریختم. آنها به محض خوردن نسکافه می‌خوابیدند. من هم پول و طلا و کارت عابر بانکشان را سرقت می‌کردم.

با کارت‌های عابر بانک چه کاری می‌کردی؟

معمولاً طلا می‌خریدم.

در هر سرقت چقدر پول می‌آمد؟

بستگی داشت؛ مثلاً در یک سرقت ۵۰۰ هزار تومان و در

یک سرقت ۴۰ میلیون تومان پول گیرم آمد.

بعد از سرقت دوباره سراغی از آنها نمی‌گرفتی که

ببینی به هوش آمده‌اند یا نه؟

من آنها را بیهوش نمی‌کردم. فقط با سه قرص خواب آنها را

می‌خواباندم. می‌دانستم که خیلی زود بیداری شوند.

از چند نفر با این روش سرقت کردی؟

دقیقاً یادم نیست، ولی فکر می‌کنم ۱۰ تا ۱۵ نفر بودند.

درس خوانده‌ای؟

فوق لیسانس کامپیوتر دارم.

پس چرا در پیتزافروشی کار می‌کردی؟

چون کار برایم پیدا نمی‌شد. هر چه می‌گشتم بی‌فایده

بود. برای همین به پیتزافروشی رفتم و کار تهیه پیتزا را یاد

گرفتم. خیلی زود هم در این کار حرفه‌ای شدم، اما درآمد کافی نبود.

خودرو می‌رسید تا آنها را از مرز رد کنند. بر این اساس، تعداد این خودروها فقط بسیار بیشتر از این هاست، اما دلیل لوئر فتن آن به انتخاب شمارهای رندم برمی‌گردد. به گفته یکی از افسران این پرونده، این باند بین‌المللی به صورت کاملاً رندم شماره‌هایی را برای بدنه و موتور انتخاب می‌کردند، که به‌طور اتفاقی هویت این چهار خودرو با چهار خودروی دیگری که به صورت کاملاً قانونی وارد کشور شده است، تشابه داشته و همین موضوع باعث بر ملا شدن اقدامات این باند قاچاق و کلاهبرداری بین‌المللی شده است. گفتنی است دو کارگزار دستگیر شده در این ارتباط در اظهاراتشان هر گونه اطلاع از فعالیت اعضای این باند را رد کرده‌اند و مدعی شدند که فقط برای انتقال هر خودرو ۱۲ میلیون تومان گرفته‌اند. پلیس بین‌الملل تحقیقات خود را برای دستگیری اعضای این باند آغاز کرده‌است.

ماجرای یک باند کلاهبرداری بین‌المللی خودروهای لوکس سرقت در اروپا، فروش در ایران

پی برندن که شماره شاسی و موتور این خودروها دستکاری شده است. ماموران اداره دوم پلیس آگاهی که رسیدگی به این پرونده را برعهده داشتند، طی تماس و مکانیسم با اینترپل در یافتند که این چهار خودرو در کشور ایتالیا و سوئد و نروژ اعلام سرقت شده و صاحبان آنها با مراجعه به بیمه خسارت خودم را دریافت کرده‌اند. در ادامه تحقیقات مشخص شد که باندی در کشورهای قزاقستان و جمهوری آذربایجان با نقشه قبلی اقدام به خرید خودروی گرانقیمت در کشورهای اروپایی می‌کنند و در مرحله بعد آنها را تا مرزهای کشورهای آسیایی منتقل می‌کنند. بعد از این مرحله نوبت به کارگزاران واردات

شروع شد. این خودرو در همان مراحل ابتدایی تخریب و انجام تشریفات گمرکی با مشکل شماره گذاری مواجه شد. براساس مستندات گمرک ایران، این خودروی لوکس قبلاً شماره گذاری شده بود و به همین دلیل امکان شماره گذاری مجددی برای آن ممکن نبود. این موضوع شک برانگیز باعث شد تا ماموران گمرک این خودرو را همراه با راننده روانه اداره آگاهی کنند. در حالی که ماموران مشغول بررسی این پرونده بودند، سه مورد مشابه دیگر هم در مدت کوتاهی به پلیس گزارش شد. لوکس بودن هر چهار خودرو باعث ظن بیشتر ماموران شد. کارشناسان پلیس در بررسی‌های بعدی